

بررسی دگرگونی واژگانی از زبان پهلوی به تالشی

عباس خائفی^۱؛ کیومرث خانبازاده^۲

چکیده

از نظر دانش زبان‌شناسی، زمانی که واژه‌یی از زبانی به زبانی دیگر وارد میشود، برای ماندگار شدن باید با الگوهای آوایی، واجی، صرفی، نحوی و معنایی آن زبان هماهنگی پیدا بکند و گرنه از دایره واژگانی آن زبان کنار گذاشته میشود. در این نوشتار روند انواع دگرگونیهای واج‌شناختی که در واژگان زبان پهلوی یا فارسی میانه رخ داده است تا به زبانهای ایرانی نو، از جمله زبان تالشی (که از زبانهای ایرانی نو است) رسیده‌اند؛ بررسی و تجزیه و تحلیل میگردد. از بررسی داده‌هایی که از فرهنگ کوچک زبان پهلوی نوشته مکنزی بدست آمده و مقایسه این واژه‌ها با داده‌های زبان تالشی که از زبان‌گفتاری تالشی زبانهای عنبران واقع در نقطه مرزی استان اردبیل، با جمهوری آذربایجان بدست آمده مشخص شد که واژه‌های مشترک بین دو زبان از زبان پهلوی به زبان تالشی، دگرگونیهایی از قبیل ادغام، ابدال، حذف، جابجایی، افزایش و سایر فرایندهای رایج واج‌شناختی را طی کرده، تا به زبان تالشی رسیده است؛ در ضمن بعضی از واژه‌ها هم بدون هیچ دگرگونی به زبان تالشی رسیده‌اند.

کلید واژگان

زبانهای ایران باستان؛ زبان پهلوی؛ زبان تالشی؛ گویش؛ رده‌شناسی

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

۲. دانشجوی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)؛ kkaumarth@yahoo.com

مقدمه

بررسی زبانها و گویشهای بر جای مانده ایرانی و یافتن نقطه‌های مشترک این زبانها و گویشها با زبانهای پیش از اسلام، از جمله زبان پهلوی و بررسی روند دگرگونی این زبانها از شکل باستانی به شکل میانی و نو در جهت شناخت درست تاریخ و رده‌شناسی زبانهای ایرانی و ترسیم اطلس زبانهای ایرانی کمک شایانی میکند و بسیاری از ابهامهای موجود را در جهت شناخت درست زبانها، تاریخ زبانها و تاریخ ایران، برطرف می‌سازد. همچنین بسیاری از متون بر جای مانده از ایران باستان و نیز متون ادبیات فارسی به یاری اینگونه پژوهشها، بهتر و درست‌تر شناخته شده و بررسی میشوند.

نوشتار حاضر به مقایسه و واژگان زبان پهلوی از فرهنگ کوچک پهلوی و نیز فعلهای زبان پهلوی، با زبان تالشی شمالی حوزه عنبران، می‌پردازد؛ تا واژگان مشترک دو زبان و نیز تحول واژگان هم‌ریشه از پهلوی به تالشی را مشخص نماید. واژه‌های زبان تالشی بدلیل اینکه اثر نوشتاری قابل توجهی از این زبان در دست نیست، از زبان گفتاری پژوهشگر و نیز بصورت میدانی، گردآوری شده است.

زبان پهلوی

زبان پهلوی، از زبانهای ایرانی بعد از عصر هخامنشیان است که در اصطلاح «فارسی میانه» نامیده میشود. اما در این پژوهش منظور از پهلوی، فارسی رایج در زمان ساسانیان است که تا سده سوم هجری ادامه داشته است و دوره بعد از آن، دوره فارسی نو است.

آموزگار و تفضلی درباره این زبان می‌گویند:

«... فارسی یا پارسی منسوب به پارس مشتق از صورت ایرانی باستان پارسه میباشد که نام سرزمین پارس است و منسوب به آن در زبان فارسی میانه پارسیگ نام دارد. در سنگ‌نوشته‌های پارسی باستان این زبان پارسه و در متنهای فارسی میانه پارسیگ نام دارد که هر دو معادل پارسی (فارسی) است» (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۹: ۱۳).

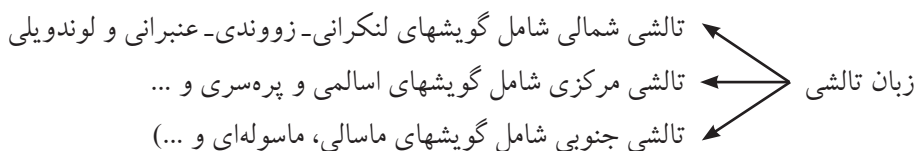
همچنین آموزگار و تفضلی زبان فارسی نو را که در دوران اسلامی رایج شده است، دنباله فارسی میانه و یا یکی از گونه‌های آن میدانند که در پایان دوره ساسانیان در تیسفون رایج بوده است (همانجا).

زبان تالشی

زبان تالشی یکی از زبانهای ایرانی شمال غربی است که در بخشهایی از استان اردبیل و کرانه‌های غربی دریای مازندران در ایران و همچنین جمهوری آذربایجان رایج است. اورانسکی^۱ (۱۳۸۶: ۱۳۹) تالشی را دنباله‌ی یکی از گویشهای شمال غربی ایران میداند که در دوره‌های گذشته در آذربایجان رواج داشته است. وی در کتاب مقدمه فقه الغه ایرانی در مورد تالشی میگوید: «تالشی یک زبان دیگر ایرانی است که در آذربایجان انتشار دارد... و آنها خود را «Toliš» مینامند» (۱۳۵۸: ۳۱۷).

رضایتی میگوید: «تالشی از گویشهای ایرانی شمال غربی ایران است که هم اکنون در حاشیه جنوب غربی دریای خزر علاوه بر گیلان، در جمهوری آذربایجان تکلم میشود و لهجه‌ها و گونه‌های متعددی دارد. از لهجه‌های تالشی میتوان ماسوله‌یی، شفستی، ماسالی، خوشابری، پره‌سری، اسالمی، ریکی، کرکانرودی، لوندویلی، عنبرانی، لنکرانی، ماسالی و... را نام برد» (۱۳۸۶: ۱۸). باقری میگوید: «زبان تالشی از زبانهای شمال غربی ایران محسوب میشود و در ناحیه واقع در جنوب غربی دریای مازندران بکار میرود. تالشهای ساکن آذربایجان شوروی هم به این زبان تکلم میکنند» (۱۳۷۱: ۹۹).

طبق دیدگاه اندیشمندان ایرانی و روسی، زبان تالشی از زبانهای شمال غربی ایران است که روزگاری در سرزمین آذربایجان رواج داشته و از قرن دهم به بعد، جای خود را به زبان ترکی داده است، ولی هنوز در گوشه و کنار آذربایجان و گیلان رواج دارد. بنظر محققان روسی و ایرانی، زبان تالشی به سه گونه اصلی و عمده تقسیم میشود. از اینرو نمودار زیر برای نشان دادن شاخه‌ها و گونه‌های این زبان مناسب است.



(خان‌بازاده، ۱۳۹۵: ۱۵)

در این نمودار شاخه‌های سه گانه زبان تالشی و انواع گویشهای این زبان در هر شاخه نشان داده شده است.

بررسی فرایند انواع دگرگونی واژگانی

وقتی واژه‌یی، از زبانی وارد زبانی دیگر میشود و یا از زبانِ مادر به دو زبان دختر به ارث میرسد، فرایندها و تحولات زیادی را متحمل میشود تا با ساخت زبان مقصد هماهنگ شده و در فهرست واژگان آن زبان ماندگار شود. واژه‌های مشترک بین زبان پهلوی و زبان تالشی هم از چنین قاعده‌یی مستثنا نیستند. چه از زبانی باستانی به دو زبان رسیده باشند و چه از زبان پهلوی به تالشی رسیده باشند. دگرگونی واژگانی بین دو زبان پهلوی و تالشی فرایندهای زیر را متحمل شده است. البته اشتراک واژگانی دو زبان، خیلی تنگاتنگ است؛ بطوری که از حدود دو هزار و پانصد واژه‌یی که در فرهنگ پهلوی مکنزی آمده است بیشتر از پنجاه درصد دارای ریشه مشترک میباشند و از این تعداد واژه، واژگان زیادی کاملاً یکسان و بقیه با تحولاتی از قبیل حذف، ابدال، ادغام، افزایش، قلب و تعدادی هم با چندگونه فرایند به زبان تالشی رسیده‌اند.

الف) هیچگونه تغییر و تحولی صورت نگرفته است و واژه‌ها از هر جهت شبیه هم هستند:

/ āzād/ / babr/ / bad / , / baxt/ , / daftar / , / dār/ , / kāš / , / dahliz/ / činār/,
/ jam/ / jašn/, / kamān/ , / laškar/ , / marz/ , / mast/ , / nam/ / pah/ / palang/,
/ pāsban/ / pasand/ / raz/ , , / rāz / , , / saxt / , / sahm / / šāh / , / šahr / , / šāhanšāh / ,
/ tā / , / tab/ , / tās / , / zaxm/ , / taxt / , / ganj / , / zahr / , ...

تعداد زیادی از واژه‌ها بین دو زبان، مشترک هستند که نمونه‌هایی از اینگونه واژه‌ها در بالا ذکر شد. این واژه‌ها بدون هیچ تغییر و دگرگونی بین دو زبان مشترکند که از واژه‌های تک‌هجایی تا واژه‌های چند هجایی را در بر دارند.

ب) برخی از واژگان به دو صورت جداگانه تحول یافته‌اند و هر شکل واژه، معنایی جداگانه یافته و در واقع توسع معنایی پیدا کرده است: کلمه «taxt» مشترک با پهلوی در شکل اصلی و مشترک خود در زبان تالشی بمعنی تخت خواب و در شکل تحول یافته «tāxt» بمعنی مسند قدرت یا اریکه بکار میرود یا کلمه «saxt» معنا و شکل اصلی را حفظ کرده و در شکل تحول یافته «sāxt» بمعنی غلیظ و غلیظتر بکار میرود. کلمه «marz» در معنی و شکل اصلی در تالشی بمعنی مرز کشوری و در شکل دیگر خود «mārz» بمعنی مرز ملکی بکار برده میشود. کلمه «palang» در معنی و شکل اصلی در تالشی وجود دارد و در شکل تحول یافته «pālek» بمعنی سگ قوی همچو پلنگ بکار میرود. واژه بخت «baxt» هم به این شکل و هم به شکل «bāxt» در تالشی به یک معنی بکار رفته است.

ج) حذف: در این فرایند یک یا چند واج در تحول خود از پهلوی به تالشی حذف شده است؛ این حذفها از اول، وسط و پایان واژه صورت گرفته است.

پهلوی	تالشی	فارسی
ast(ag)	āsta	استخوان
bandag	bānda	بنده
gišnīz	gešni	گشنیز
čašmag	čašma	چشمه
dādwar	dāvar	داور
narm	nām	نرم
bār	bu	بار
awestarag	āsta	استره - تیغ
hambār	āmbu	انبار
ayād	yud	یاد

در این چند مثال بیشتر واج یا هجایی از آخر حذف شده است با این حال در اول و میان بعضی واژه‌ها هم فرایند حذف صورت گرفته است. برای مثال واج /d/ از میان واژه «dādwar» حذف شده است و یا در واژه «hambār» واج «h» از آغاز واژه حذف شده است و به شکل /āmbu/ به تالشی رسیده است. در این واژه علاوه بر حذف /h/ واج «a» به «ā» بدل شده است. بنابراین فرایند حذف از زبان پهلوی به زبان تالشی یکی از فرایندهای اساسی زبان تالشی برای آسان‌سازی و نگهداری واژه‌های پهلوی در تالشی است.

نکته: البته در تعدادی از واژه‌ها چند تحول صورت گرفته است؛ برای مثال در واژه «bandag» علاوه بر فرایند حذف، فرایند ابدال هم رخ داده است و «a» به «ā» بدل شده است.

د) ابدال یا تبدیل صدا: مشکوة‌الدینی میگوید: «به هنگام پیوند تکواژها برای ساختن واژه‌ها، گاهی واج آغازی یا پایانی تکواژها و یا یکی از مصوت‌های هجای مجاور در محل پیوند تکواژها، تغییر می‌یابد و بصورت صدای دیگری ظاهر میگردد، «تبدیل صدا» گفته میشود» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۷۷: ۱۴۶).

پهلوی	تالشی	فارسی
āškārāg	uškaru - uškur	آشکارا - آشکار
haft	hāft	هفت
ayād	yud	یاد
bāliš	bālōš	بالش
bān	vün	بان
bār	bu	بار
čand	čand	چند
dād	dud / dād	داد
bāz	buz	باز - شاهین
hūg	Xüg	خوک

در نمونه‌های بالا، صداهایی در اول، وسط و پایان واژه‌ها به صدای دیگری تبدیل شده و به زبان تالشی رسیده‌اند. روشن است که در برخی از این واژه‌ها افزون بر ابدال، دگرگونیهای دیگری هم رخ داده است تا به زبان تالشی رسیده‌اند؛ برای مثال در «ayād» از اول واژه «a» حذف شده است و سپس واکه «ā» به واکه «u» تبدیل شده است. توجه به نمونه‌های جدول بالا نشان میدهد که فرایند ابدال هم یکی از سیستمهای تدافعی زبان تالشی در جهت ابقای واژگان زبان پهلوی میباشد. (هـ) جابجایی یا قلب: در این فرایند، اصوات در واژه جای خود را با یکدیگر عوض میکنند (اگریدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۲۸).

پهلوی	تالشی	فارسی
ašmā	šəma	شما
frayād	faryud	فریاد
griftār	girəftār	گرفتار

در این چند مثال جای واج «a» با واج «š» و واج «a» با «r» از پهلوی به تالشی عوض شده است. البته در مثال نخست، علاوه بر جابجایی، واج «a» به واج «ə» و در مثال دوم هم واج «ā» به واج «u» بدل شده است. و در واژه سوم هم واج «l» با واج «r» جابجا شده است و علاوه بر آن، واج «ə» هم برای جلوگیری از التقای همخوانها به واژه افزوده شده است. البته فرایند جابجایی نسبت

به دیگر فرایندها کمتر صورت گرفته است. در فرایند جابجایی، که یکی از روشهای زبان تالشی برای هماهنگ سازی واژگان زبانهای دیگر با الگوهای درون زبانی میباشد، بیشتر جابجایی یک واکه با همخوان میباشد تا از کنار هم قرار گرفتن همخوانها که چندان در این زبان رایج نیست، جلوگیری کند.

(و) افزایش: افزودن یک صوت اضافی به واژه است (اچسون، ۱۳۷۶: ۱۵۳).

پهلوی	تالشی	فارسی
bland	bārz - bəland	بلند
čakōk	čakčakü	چکاوک
čašt	čušta	چاشت
hāwan	havang	هاون
Pašm	pāšma	پشم
frēb	firib	فریب

در جدول بالا، نمونه‌ها فرایندی را نشان میدهند که در آن بیشتر واکه‌یی به واژه‌های پهلوی افزوده شده است تا با فرایند واجی و هجایی زبان تالشی، سازگار شده باشد. البته ممکن است در این گونه واژه‌ها نیز چند گونه دگرگونی صورت گرفته باشد.

(ز) ادغام: «تغییری است که در آن دو یا چند واج در هم ادغام میشوند و یک واحد تقابل را تشکیل میدهند که موجب کاهش واجها در یک زبان میشود» (اگریدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۳۲). ویژگی ادغام از پهلوی به تالشی بصورت محدود صورت گرفته است. بنظر میرسد این فرایند باعث حذف واج دولبی «w» از پهلوی به تالشی شده است.

پهلوی	تالشی	فارسی
gāw	gu	گاو
diwānag	divūna	دیوانه
gāwmēš	gumiš	گاو میش

در نمونه‌های ارائه شده در جدول فوق بنظر میرسد فرایند ادغام بیشتر منجر به حذف واج «w» و یا تبدیل این واج دولبی به گونه‌ی لبی دندانی «v» شده است.
(ح) همگونی: «همگونی از تأثیر یک واحد صوتی بر واحد صوتی دیگر حاصل میشود. همگونی

همیشه ناشی از شبیه‌تر شدن یک صوت به صوت مجاور از لحاظ یک یا چند ویژگی آوایی آن است» (همان: ۷۰).

در تعدادی از واژه‌ها هم که از پهلوی به تالشی رسیده‌اند، در واژه‌ها برای سهولت تلفظ هماهنگی‌هایی صورت گرفته و یا در حین تلفظ، این همگونی آشکار می‌شود.

پهلوی	تالشی	فارسی
dārūg	davu	دارو
haft dah	hāvda	هفده
Wahišt	vayišt	بهشت
gōšt	gūšt / gūžd	گوشت
garān	gəvün	سنگین
tābag	tuva	تابه
tābestān	tuvəstün	تابستان

در مثال نخست، واج «f» به «v» بدل شده است تا با واژه «u» همگونی بیشتری داشته باشد. در مثال دوم، هم واج «f» به «v» بدل شده است تا با «d» هماهنگ شود و در دیگر مثالها نیز همگون شدگی رخ داده است و واژه‌ها با مختصات محیط آوایی تالشی شباهت بیشتری پیدا کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

توجه به واژگان مشترک و مشابه دو زبان پهلوی و زبان تالشی، نشان می‌دهد که این دو زبان اشتراک و همسانی زیادی با هم دارند و بسیار به هم نزدیکند؛ بگونه‌یی که بسیاری از واژگان دو زبان، کاملاً یکسان هستند و حتی از نظر تلفظی هم با هم تفاوتی ندارند و افزون بر آن، بسیاری از دیگر واژگان دو زبان نیز با تفاوتی اندک شبیه هم هستند؛ بگونه‌یی که بدون دقت، شباهت و هم‌ریشه بودن این واژگان قابل تشخیص است. البته باید توجه داشت که حدود هزار سال است که زبان پهلوی از زبانهای زنده محسوب نمیشود. چنین وضعیتی شگفتی ما را از همانندی این دو زبان دو چندان میکند؛ زیرا در این هزار سال زبان تالشی هم بسیار دگرگون شده و از پهلوی فاصله گرفته است. این واژه‌ها، با فرایندهایی از قبیل حذف، افزایش، جابجایی، ابدال، همگون‌سازی و سایر فرایندهای واجی، در دو زبان تفاوت پیدا کرده‌اند. این سخن، زمانی معنی‌دار است که توجه داشته باشیم واژه‌هایی از زبان تالشی با زبان پهلوی، سنجیده شدند که در زمان حال کاربرد دارند،

در حالی که زبان پهلوی، چندین سده است که زبانی مرده محسوب میشود. بنابراین اگر مدارکی از واژه‌های زبان تالشی بدست می‌آید و با واژه‌های زبان پهلوی سنجیده میشود، نتایج اشتراک و همسانی واژگانی در دو زبان بمراتب بسیار بیش از نتایج اینگونه تحقیقها بود؛ زیرا واژگان زبان تالشی که از زبانهای ایرانی نو محسوب میشود، در طول این چند سده که از دوره رواج زبان پهلوی فاصله گرفته و دگرگونیهای زیادی را متحمل شده است و تحول در این زبان، بخاطر برخورد با دیگر زبانها با شتاب بیشتری صورت میگیرد و در جهت اختلاف با زبان پهلوی، پیش میرود. با این وجود اشتراک واژگانی دو زبان بسیار چشمگیر و قابل ملاحظه است.

دقت در داده‌های سنجیده شده در دو زبان نشان میدهد که از نظر آماری، نخست همسانی واژگانی دو زبان زیاد است و بعد تفاوت واژگانی بیشتر از طریق فرایند حذف و بعد ابدال، جابجایی، افزایش و همگون‌سازی صورت گرفته است. در نتیجه باید گفت که زبان تالشی بلافاصله از زبان پهلوی، منشعب شده است و یا پهلوی و تالشی دو زبان مجزا از یک شاخه مشترک هستند. این نظر زمانی اثبات میشود که سایر ویژگیهای دو زبان، مانند صرف، نحو و معناسازی در دو زبان بصورت تطبیقی، بررسی و با یکدیگر سنجیده شوند.

منابع

- آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد؛ زبان پهلوی (ادبیات و دستور آن)، تهران: انتشارات معین، چاپ هفتم، ۱۳۸۹.
- اچسون، جین؛ زبان شناسی همگانی، ترجمه حسین وثوقی، تهران: سازمان انتشاراتی علوی، ۱۳۷۶.
- اورانسکی، یوسف؛ مقدمه فقه‌الغنه ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۸.
- _____؛ زبانهای ایرانی، ترجمه دکتر علی اشرف صادقی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۶.
- اگریدی، ویلیام؛ دابروولسکی، مایکل؛ آرنوف، مارک؛ درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر، ترجمه علی درزی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
- باقری، مه‌ری؛ تاریخ زبان فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۱.
- خان‌بابا‌زاده، کیومرث؛ خطاهای نحوی تالشی زبان‌ها در فارسی معیار، تهران: انتشارات اندیشمندان کسرا، ۱۳۹۵.
- رضایتی، محرم؛ زبان تالشی توصیف‌گویی مرکزی، رشت: فرهنگ ایلیا، ۱۳۸۶.
- مشکوة‌الدینی، مهدی؛ ساخت آوایی زبان، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۷.
- ناتل خانلری، پرویز؛ دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۵.